

ارکان و ویژگی‌های نظام پژوهشی کارآمد در حوزه‌ی علوم دین و معارف اسلامی

دکتر حسین خنیفر*

استادیار گروه مدیریت دانشگاه تهران (پردیس قم)

(تاریخ دریافت ۸۵/۴/۱۸، تاریخ تصویب ۸۵/۷/۱)

چکیده

برای این‌که محققان و صاحب‌نظران در رشته‌های تخصصی و زمینه‌ای مطالعاتی حوزه علوم دینی و معارف اسلامی ادراک، استنباط و تحلیل‌های مناسبی در قالب پژوهش‌های بنیادی و کاربردی داشته باشند، ضرورت یک نظام پژوهشی کارآمد در این حوزه مطالعاتی لازم و ضروری است و از ویژگی‌های بنیادین دین مبین اسلام امر بر تحقیق، تفحص و تدقیق در مسایل گوناگون است تا سره از ناسره تفکیک و دستاورد این تحقیقات پاسخگوی نیازهای روز نیز باشد.

ارائه مدل‌های مناسب، با عنایت به ارکان نظام کارآمد پژوهشی و طرح رویکرد نوآورانه در مقوله پژوهش در حوزه علوم دین و معارف اسلامی، از ویژگی‌های مطرح در این مقاله است. همچنین پرداختن به تمهیدات اساسی برای این منظور، یعنی طراحی نظام پژوهشی شایسته و بایسته از ابعاد دیگر این نوشتار است. در ادامه به مهم‌ترین نکات لازم برای توسعه مراکز پژوهشی در یک نظام پژوهشی کارآمد و راهبردهای مدیریتی آن پرداخته و خاتمه مقاله نیز نتیجه‌گیری عملیاتی از مباحث این نوشتار است.

واژگان کلیدی:

ارکان پژوهش، پژوهش کارآمد، نوآوری، حوزه علوم دین، معارف اسلامی، فرهنگ پژوهش، کارآفرینی، نظام پژوهشی.

مقدمه

در جامعه‌ی علمی و معرفتی، محققان باید در رشته‌های تخصصی و زمینه‌های مطالعاتی خود، ادراک و استنباط و تحلیل‌های مناسبی داشته باشند و سپس با توجه به مهارت‌های علمی، ذوقی و هوشمندی خود، نتایج تحقیقات و مطالعات خود را در چارچوب و متناسب با معیارهای نگارش علمی ارائه دهند. از جمله مهم‌ترین راهکارهایی که به محققان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز علمی - تحقیقاتی حوزوی و آکادمیکی کمک می‌کند تا اندیشه علمی خود را (که در سال‌های تحصیل، تدریس، بحث و مناظره و مطالعه مستمر کسب کرده‌اند) عرضه نمایند و یا ثبت و انتقال دهند؛ پژوهش و شیوه‌های نگارش است که همگی در یک نظام پژوهشی کارآمد اتفاق می‌افتد که این نظام پژوهشی دارای ارکان و ویژگی خاص خود می‌باشد.

در فرایند مطالعات معرفتی و دینی و حوزه دین و معارف دینی، شاید یکی از دلایل مهجوریت قرآن کریم نیز غفلت از روش‌های متنوع و متعدد تحقیق و غور در این کتاب جامع الاطراف است. همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید:

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا؛ و پیامبر فرمود: پروردگار من! همانا قوم من قرآن را در تنهایی نهادنده (فرقان، ۳۰).

از پیش شرط‌های مهم در امر پژوهش در علوم دینی گرایش به سمت تحقیق و مدل‌های پژوهش و شناخت فرایندهای آن است که این مهم در یک نظام بهینه و کارآمد اتفاق می‌افتد و در همین نظام بایسته است که افراد محقق و دارای مشی استنباطی ظاهر می‌شوند؛ چرا که اجتهاد و استنباط و تدبر، از حیات بخش‌ترین واژه‌هایی است که باورها و عقاید دینی را همواره مراقبت می‌کند و زلال تهذیب بر سر و روی آن‌ها می‌ریزد. قرآن مجید در سوره نساء آیه ۸۳ می‌فرماید:

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَكَلَّمَ اللَّهُ الرَّسُولَ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَوْلَا الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ لَفُتِنَ الْأَعْيُنُ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَفُتِنْتُمْ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا؛ و چون به ایشان امان یا بیمی رسد، آن را آشکار می‌کنند، حال آن‌که اگر آن را به پیامبر و

صاحبان امر برگردانند، آن‌گاه کسانی که استنباط می‌کنند، به [مصلحت] آن پی می‌برند و اگر بخشش و رحمت خداوند بر شما نبود، جملگی به گمراهی می‌رفتید، مگر اندکی».

در این آیه‌ی کریمه جملهی «الْعَلِمَةُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»، آشکارا علم را بر استنباط آویخته است (بابائی، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۷).

سپس برای آن که مردم همه‌ی حقایق و معارف را از استنباط‌های خود انتظار نداشته باشند، پیش‌تر یادآور شده است که «امر را بر رسول و صاحبان امر برگردانند». این تعابیر حکایت از آن دارد که حتی پس از مراجعه به مراجع معصوم و غیر معصوم، باز آنان آگاه می‌شوند که خود نیروی استنباط در بازوان اندیشه دارند.

از همین رو نمی‌توان بر دانسته‌های عام، نام علم نهاد و آن را به سرای تحقیق راه داد؛ زیرا تحقیق شایسته، آن است که در همه‌ی شوون خود، محققانه و تابع یک نظام و فرآیند علمی و فرایند مدار باشد، هم در اهداف و هم در ابزار خویش. بسا محققانی که با ابراز ناقص و ناکارآمد و با شیوه و مدل‌های کهنه و ناکارآمد و قدیمی و نه جدید و به شیوه‌های تقلیدی به صید حقیقت رهسپارند و بر پژوهشی که سمت و سوی مقلدانه صرف داشته باشد، اثری بار نیست.

امروزه بسیاری از تألیف‌ها و نوشته‌های روزگار ما، به گزارشی آشفته و بی‌قاعده، نزدیک‌ترند تا تحقیق. اگر نویسنده‌ای آرای تنی چند از بزرگان را بر هم زد و نوشتار خود را از نقل قول‌های بلند و کوتاه آکند و آن‌گاه خواننده را به اجبار، نتیجه‌ای خوراند که از مقدمات بحث دور و بیگانه است؛ جز زحمت بی‌حاصل چیز دیگری نیست.

تحقیق در فرهنگ دین

تحقیق و پژوهش در عرضهی فرهنگ دینی ما، از چنان اهمیت و منزلتی برخوردار است که گفته‌اند: حتی آن‌جا که از تقلید گریزی ندارید، محققانه تقلید کنید؛ یعنی کسی را که از آن تقلید می‌کنید (مرجع) و نیز جرابی و مرزهای تقلید را باید نیک شناسایی کرد؛ آن‌گاه باید طوق رجوع را برگردن آویخت.

روحیه و خوی تحقیق داشتن، کیمیایی است که هر کمبود و مانعی را به چیزی نمی‌گیرد و هزار سکندر، جلودار آن نیست. اگر این منش در اهل علم پدیدار گردد، تولیدات علمی صد چندان می‌شود، اما پیش شرط حفظ این روحیه و جهت دهنده‌ی آن یک نظام منطقی، متعال، پایدار، پویا و کارآمد تحت عنوان «نظام پژوهشی» است.

برای آن که حق سخن را درباره‌ی روحیه‌ی تحقیق که اصل اجتناب‌ناپذیر و ضرورت هر پژوهشی است، ادا کرده باشیم؛ کلامی را از استاد شهید مطهری یادآور می‌شویم:

«فرق است میان علم یعنی عالم بودن و میان روح علمی داشتن. ای بسا افرادی که روح علمی دارند، ولی عالم نیستند؛ و ای بسا کسانی که عالمند و روح علمی ندارند. عالم واقعی آن است که علمش با روح علمی توأم باشد. مقصود از روح علمی چیست؟ مقصود از روح علمی این است که علم اساساً از غریزه‌ی حقیقت‌جویی سرچشمه می‌گیرد. خداوند انسان را حقیقت‌طلب آفریده است. مقصود از حقیقت‌طلبی این است که انسان می‌خواهد حقایق را آن‌چنان که هستند، بفهمد؛ می‌خواهد اشیا را همان طوری که هست، بشناسد و بفهمد، و این فرع بر این است که انسان خودش را نسبت به حقایق بی‌طرف و بی‌غرض نگه دارد و بخواهد حقیقت را کشف کند، آن‌چنان که هست؛ نه این‌که بخواهد حقیقت آن‌جوری باشد که او دلش می‌خواهد» (مطهری، ۱۳۷۸ش، ص ۳۰).

حال با توجه به اهمیت و دامنه بحث در خصوص تحقیق و با عنایت به تطورات و تحولات جهانی و دنیای اطراف، جای دارد که از یک نظام بایسته و شایسته پژوهش در حوزه‌ی علوم دین و معارف اسلامی طرح بحث کنیم؛ زیرا این رویکرد نوعی گرایش و عنایت به نظام‌مندی و عمارت‌گرایی اساس پژوهش است؛ چرا که در علوم اسلامی، تتبع بیش از تحقیق و نوآندیشی برای خود جاگشوده و به صورت خطی پیش رفته است.

بسیارند دانشوران سخت‌کوشی که کاخ‌های عظیمی از حرف و حدیث افراشته‌اند،

اما اندکند محققانی که بنای تحقیق در علوم دینی را عمارت کنند.

کتابخانه‌های اسلامی، به یمن و همت بزرگان دین و دانش، انباشته از مواد اولیه برای گستراندن دامن تحقیق و پژوهش‌اند و هر روز بر شمار آثاری که در آن‌ها جست‌وجویی

است، افزوده می‌شود؛ لیکن این جست‌وجوها و رویکردها نیاز به یک ساخت روشمند و نظام پژوهشی کارآمد دارند.

علوم دینی، بویژه دایره‌ی قرآن پژوهشی و معارف دینی دیگر، هم به جست‌وجوگران نستوه نیازمند است که روشمندانانه وارد عرصه تولید علم و محصولات پاسخگو به نیاز زمان و فرا زمان، مکان و فرامکان در سطح بین‌المللی باشند؛ تا باب شبهات و خلاءها به نحو مقتضی پاسخ داده شوند؛ و هم نیازمند به اهل نقد و نظر و تحلیل در یک نظام پژوهشی غنی و روشمند است.

ویژگی‌های نظام پژوهش کارآمد

برای یک نظام پژوهشی کارآمد در حوزه‌ی علوم دین و معارف اسلامی که بتواند در عرصه‌های مختلف رقابت کند و سطح علمی و تولیدات خود را به نمایش بگذارد، ویژگی‌هایی وجود دارد که جمع شدن این ویژگی‌ها به حرکت سیستم به سمت تولید محصولات علمی مورد نیاز و مطابق با روز منجر می‌شود؛ چرا که به قول دانتیه الگیری: شعله‌های بزرگ ناشی از جرقه‌های کوچکند و تک تک مولفه‌های یک نظام کارآمد به سان شعله‌های کوچکند که جمع آن‌ها شعله بزرگ و شعاع نور بلند را رقم می‌زند تا به چشم بیاید و به حساب آورده شود؛ و این به حساب آورده شدن نیز خود تابعی از نگرش‌های ماست. به قول اولیور وندل هلمز: همین که یک نظام یا سیستم به رویکرد تازه و بالنده‌ای متصل شد، دیگر هرگز به مقیاس‌های گذشته و کوچک نا کارآمد خود باز نمی‌گردد.

شاید رقم زدن یک نظام کارآمد کار سختی باشد، ولی به قول نیچه: انسان چرایی است که با هر چگونه‌ای می‌تواند بسازد و هر محالی را تسلیم کند، اما اگر بخواهد (طوسی، ۱۳۷۹ش، ص ۴۰).

کارل سند برگ نیز می‌نویسد: هر واقعه‌ای ابتدا به صورت رویاست، و آن‌گاه اتفاق می‌افتد. پس بروید و تحولات و یا بازآفرینی را به عمل درآورید؛ زیرا انسان برای رقم زدن

یک سیستم کارآمد و نظام نوین زاینده‌ی شرایط نیست، بلکه خالق شرایط است (مقیم‌ی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۳۹).

بنابراین نباید فراموش کنیم که اندیشه‌ی زمان ما از واقعیات سرچشمه می‌گیرد و جریانی است که عینیت را در ذهن انسان اندیشمند منعکس می‌سازد. از این رو ذهنیت جدا از عینیت در دایره‌ی اندیشه‌ی زمان ما نمی‌گنجد و کسانی که از طریق مراجعه به ذهنیت‌های پیش ساخته و کوچک خود، پاسخ مسایل بزرگ عصر ما را جست‌وجو می‌کنند و سعی بر آن دارند که به هر نحوی تصورات خود را توجیه نموده و ارتباط عاطفی را جایگزین منطق علمی نمایند، راهی جز مقابله با زمان ندارند و از هم اکنون می‌توان صدای خرد شدن استخوان‌های آن‌ها را در زیر چرخ‌های زمان به گوش جان شنید (بیانی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۱).

بدین جهت یک نظام کارآمد پژوهش به درجاتی از آمادگی برای تعدادی از اهدافی که طراحی گردیده است نیاز دارد (اچ، آر میوکی ۱۹۹۵م، ص ۲۸۷).

تاملی ولواندک در مشخصه‌های مورد اشاره اندیشه‌ی زمان ما، پیچیدگی‌های روز افزون آن را می‌نمایاند و ضرورت پرداختن به پژوهش را به عنوان ابزار تفکر مطرح می‌سازد. بدون استفاده از ابزار تحقیق کارآمد و به کارگیری نظام پژوهشی بهینه نمی‌توان در این عرصه وارد شد و تنها از طریق دستیابی به روش‌های تحقیق و بینش علمی است که می‌توانیم در درک پیچیدگی‌های مربوط به اندیشه‌های زمان خود دقت کافی داشته باشیم. از سوی دیگر، گستره وسیع اندیشه، لزوم سرعت در تفکر را ایجاب می‌کند و برای رسیدن به آن، استفاده از ابزارهایی مانند کارگاه‌های روشمند، نظام پژوهش کلاسیک و البته با رویکرد بومی و مهم‌تر از آن صبغه دینی (حوزوی) و معرفت‌شناسی دینی و همچنین بهره‌گیری صحیح و کارآمد از اینترنت را اجتناب ناپذیر می‌نماید.

ضرورت تحول و طراحی جدید نظام پژوهشی

نباید فراموش کرد که ابداع و پیگیری نظام روشمند تحقیق، تنها در ارتباط با شدت و حدت و نوع تنوع نیازها تعریف می‌شود.

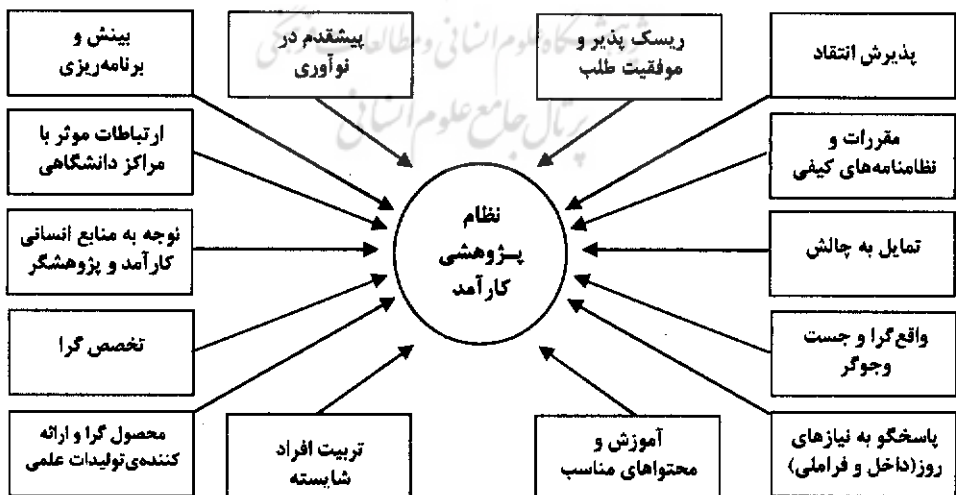
بهره‌گیری از ابزارهای توزیع اطلاعات، در عین پاسخگویی به نیاز مربوط به سرعت

اندیشه، حرکت ذهنی سریع و شتاب روز افزون انسان معاصر را به دنبال داشته و تحولات و دگرگونی‌های فکری را افزون‌تر کرده است و در نتیجه به اندیشه زمان ما هویت عصبانگری می‌بخشد.

اندیشه‌ی انسان در آستانه‌ی قرن بیست و یک میلادی، از یک رو به سبب بنیان علمی، تجربه‌های پیشین، تفکرات گذشته را در استخدام خود دارد و از سوی دیگر، در قالب‌های قدیمی و تفکرات منجمد گذشته نمی‌گنجد و ایجاد تحول و تغییر در افکار کهنه را به عنوان یک ضرورت مطرح نموده است.

با عنایت به این مبادی و مفاهیم، نظام و جوی بایسته است که با حفظ میراث کهن و منصه بومی‌گرایی جو متناسب با تحولات زمانه را رقم بزند. این جو باید به گونه‌ای باشد که افراد از آن تأثیر بپذیرند و به سمت اهداف مطلوب نیز رهنمون شوند (وارن براون و موبرگ ۱۹۸۰م، ص ۴۱۸).

به طور کلی می‌توان گفت: ضرورت تحول در ساختار نظام موجود، فواصل موجود با کیفیت فعلی و سایر سیستم‌های مشابه را کم‌تر و نیروهای انسانی دارای توان لازم را هدایت می‌کند و آن‌ها را به صحنه می‌آورد. در ذیل و در تکمیل این مطلع مدل ویژگی‌های یک نظام پژوهشی کارآمد در ابعاد و مولفه‌های ذیل پیشنهاد می‌گردد:



مدل ویژگی‌های نظام پژوهشی (پیشنهادی) در حوزه‌ی علوم دین

در جریان مطالعه نظام‌های مختلف پژوهشی به ارزیابی تفکراتی پرداخته می‌شود که این نظام‌ها را شکل داده‌اند. تردیدی نیست که اندیشه بشر پدیده تاریخی و تکاملی است و با وجود تفاوت‌های گسترده و غیر قابل انکار در قدرت فکری هر یک از انسان‌ها، این امکان وجود دارد که برای اندیشه هر یک از نظام‌ها ویژگی‌های مشترکی قابل شویم.

شاید بتوان گفت که اندیشه یا ساختار و سطح تفکر به زمان تعلق دارد و تفاوت‌های موجود در ساختارهای مختلف و نظام‌های متعدد و متنوع را می‌توان به رسالت‌های مختلف آن‌ها مربوط دانست (مهرمحمدی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۰).

اگر چه آدمی توان اندیشیدن و پژوهیدن و حرکت به سمت روشنگری زوایای پنهان و ابهامات و سؤالات و معضلات علمی را قرن‌هاست تجربه کرده است؛ با این وجود فراموش نکنیم که اندیشه‌های انسانی براساس تأثیرگذاری‌هایی مانند:

شرایط زمانی، واقعیت‌های موجود، سطح تکامل فرهنگ، امکانات و باورمندی به پژوهش، ارزش‌های مورد پذیرش، الگوهای فکری، سطح تکامل علمی و فنی جوامع، شرایط اقلیمی، مسایل اقتصادی و اجتماعی، نیازهای روز و ... شکل می‌گیرند و توان اندیشیدن و پژوهش نیز از این متغیرها متأثر است که به نوبه خود تعلق به زمان دارند. این چنین است که در زمان معین حتی افرادی که با یکدیگر آشنایی ندارند، جهت فکری همسانی پیدا می‌کنند و به مسایل مشابه و حتی یکسان می‌اندیشند.

اگر تعلق اندیشه به زمان را بپذیریم و برای اندیشه‌های هر برهه زمانی، مختصات مشترکی قائل شویم، در این صورت می‌توانیم برای اندیشه‌های دوره‌های مختلف تاریخی، نمودارهای جداگانه‌ای ترسیم و نظام‌های مختلفی قائل شویم و با دیباگرام‌های مخصوص، اندیشه‌ی هر دوره را با مشخصه‌هایی از قبیل میزان قدرت علمی، سرعت تحولات اندیشه‌ای، وسعت دید و نظر، ابعاد نظام پژوهشی، پیچیدگی، آینده‌نگری، تجربه‌گرایی، واقع‌گرایی، همچنین زاویه‌ی نگاه، گرایش، زمینه و... نمایش دهیم.

با این که پیشرفت‌های تخصصی، بر ابعاد اندیشه انسان افزوده و آن را پیچیده‌تر کرده است، مطالعات میان رشته‌ای، تخصص را از وضعیت تجرید که در دهه‌های قبل به آن دچار بوده، رهایی بخشیده است. اینک تعمیق‌ها نه تنها به تجربه و محدودیت اندیشه انسان

نمی‌انجامد، بلکه برجامعیت آن می‌افزاید و از همین جاست که توان اندیشه انسان در زمان حاضر و آغاز هزاره‌ی سوم با وسعت فکری او گره می‌خورد (قورچیان، ۱۳۷۹ش، ص ۵۷). دنیای امروز در طراحی نظام‌های پژوهشی کارآمد، مسیر ارتقایی را طی نموده است. با نگاهی به گذشته تاریخی حرکت به سمت پژوهش و تحقیق محوری تاریخ به ما نشان می‌دهد که رویکرد به روش مطالعات استقرایی بسیار دیرینه است به طور مثال از قرن ۱۵ میلادی در اروپا «فرانسیس بیکن»^۱ به‌عنوان مبلغ این شیوه از مطالعات، با پرهیز از استنتاجات کلی، موجب شد تا از همان زمان در کشورهای اروپایی، روش‌های مطالعاتی به سوی پژوهش‌گرایی ژرف‌انگر جهت پیدا کند، به طوری که می‌توان انقلاب علمی و صنعتی در آن قاره را، از نتایج رویکرد به روش‌های پژوهشی عمیق در مطالعات پدیده‌ها دانست که البته تمام آن‌را مدیون میراث شرق می‌دانند و امروزه نیز کشورهای صنعتی، برای پژوهش‌های علمی و صنعتی اهمیت زیادی قایل شده‌اند و از بودجه این ممالک اعتبارات قابل توجهی صرف پژوهش می‌شود و از راه‌های مختلف سعی بر آن دارند که پژوهشگران را به انجام دادن پژوهش‌های علمی ترغیب نمایند.

از طرفی نیز، نظام‌های آموزشی و آموزش عالی در این کشورها، اهمیت فراوانی به تربیت پژوهشگران می‌دهند. به طور کلی می‌توان اذعان داشت که نظام آموزشی فعلی دنیا حتی در حوزه‌های دینی و اخلاق و فلسفه و معرفتی و تاریخ ادیان و جامعه‌شناسی ارزش‌ها و باورهای مذهبی بر پژوهش روشمند استوار است.

کافی است یادآور شویم که در دهه‌ی ۱۹۹۰ اعتبارات پژوهشی دانشگاه‌های آمریکا چهار برابر شد و در سال ۱۹۹۱ میزان اعتبارات پژوهش‌هایی که در دانشگاه‌های آن کشور با هزینه‌ی مؤسسات تولیدی و صنعتی انجام شد، به ۱/۲ میلیارد دلار رسید و این رقم صعودی پیش رفته است (اطلاعات وضعیت پژوهش در جهان، ۱۳۷۷ش، ص ۷).

رویکرد نوآورانه

«اندیشه‌ها را به یکدیگر بزیند تا درستی

و حقیقت از آن متولد شود».

امام علی (ع)

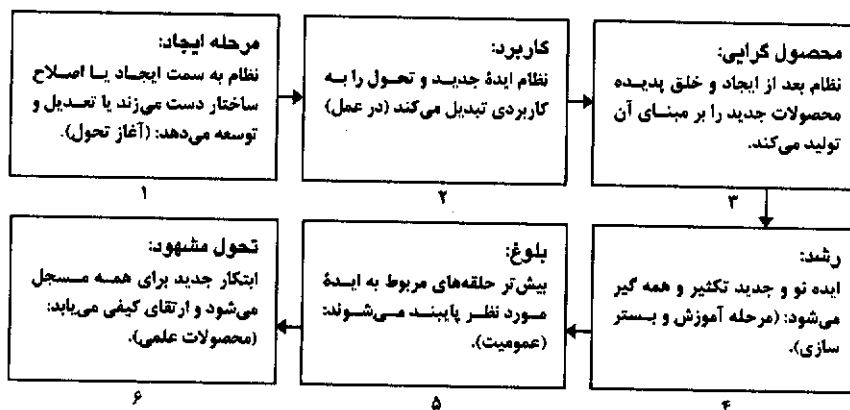
نوآوری و ابتکار، فرایندی است که برای ایجاد یک خدمت یا محصول جدید و یک فرایند نوین و همچنین استفاده‌ی کارآمد در یک نظام ضرورت می‌گیرد.

در رقم زدن یک نظام پژوهشی کارآمد، با فرض وجود نظام فعلی یا رویکرد تأسیسی یا هر فرض دیگر ۶ مرحله باید طی شود تا این اتفاق محقق شود. امروزه یکی از خطرات عمده‌ای که شبه رکود نامیده می‌شود و نظام پژوهشی حوزه‌های علوم دینی و معارف اسلامی را تهدید می‌کند، غلتیدن، عادت و گرویدن به کارهای تکراری و غیرخلاقانه یا شبه مسبوق و غیرابتکاری است. حرکت در مدارهای بسته، تولید انبوه غیرچالشی و شرح و بررسی‌های متعدد و متواتر به جای پژوهش روشمند، نقادی، نوعی توقف در پژوهش است از طرفی نیز، نبود نظام ارزیابی کارآمد پژوهشی همه و همه عرصه را تنگ نموده و گاهی حس می‌شود در حوزه‌ی علوم دین کار پژوهشی به معنای واقعی صورت نمی‌گیرد، بلکه یک سری فعالیت‌های مکرر و نامتناهی و غیرکارآمد فعلیت می‌یابد که پاسخگویی نیازهای عصری و نسلی و فراعصر و فراملی و در سطح آمایش سرزمین نیست.

مضافاً این که فرصت‌ها، تهدیدها، چشم‌اندازها، انتظارات، غفلت‌ها، تحولات و واقعیات ما را احاطه کرده است که برای حرکت نوآورانه به سمت پژوهش روشمندانه حجت است.

در رویکرد نوآورانه در جهت ایجاد یک نظام یا سیستم مراحل ذیل توصیه و پیشنهاد می‌گردد:

فرایند نوآوری در نگاره‌ی زیر نشان داده شده است (گرفین، ۱۹۹۷، ص ۳۶۷ به نقل از مقیمی، ۱۳۷۷ش):



شکل (۱) فرایند نوآوری

فرایند ابتکار و نوآوری از نظرگاه سیستمی نیز قابل بررسی است (که البته این دیدگاه با مقوله نظام پژوهش ارتباط معنایی بالایی دارد) (راینیز، ۱۹۸۷، ص ۴۴۵ به نقل از مقیمی، ۱۳۷۷ش).



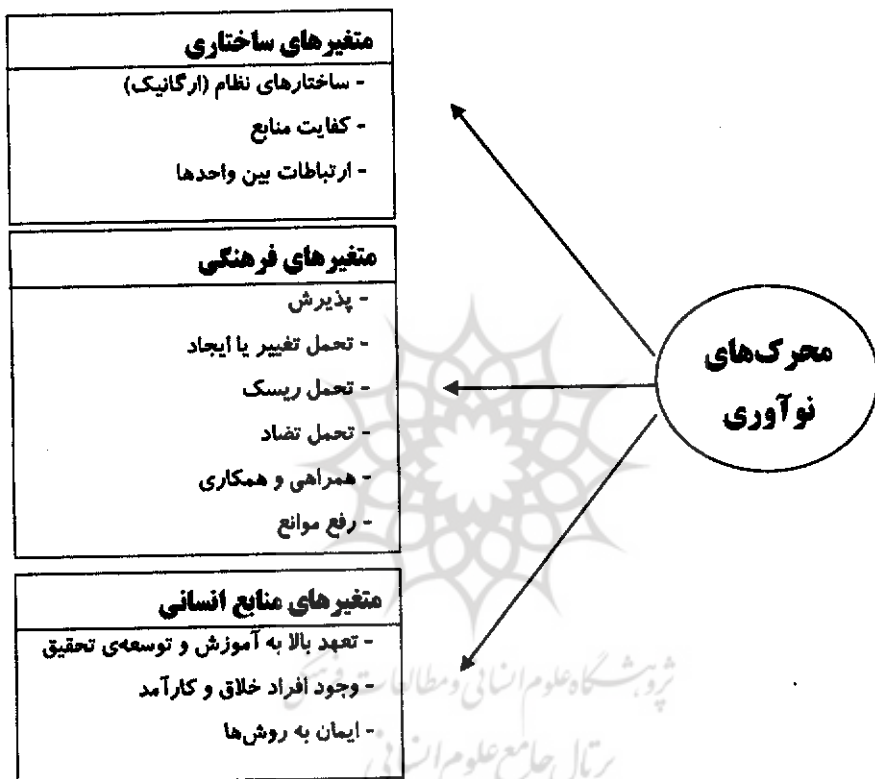
شکل (۲) نگریں سیستمی به ابتکار و نوآوری

فرایند نوآوری در زمینه ایجاد یک نظام پژوهشی کارآمد نیازمند محرک‌هایی است که این محرک‌ها در سه دسته کلی قابل بررسی است. این متغیرها عبارتند از:

۱. متغیرهای ساختاری؛
۲. متغیرهای فرهنگی؛

۳. متغیرهای منابع انسانی.

متغیرهای نوآوری که باعث تحرک و رقم زدن یک ابتکار در نظام و سیستم می‌شوند، در شکل ذیل نشان داده شده‌اند:



شکل (۳) محرک‌های نوآوری

تمهیدات اساسی:

برای رقم زدن نظام پژوهشی کارآمد در عرصه‌ی معارف دینی و خلاق تمهیداتی اساسی لازم است که به زعم نگارنده باید مورد توجه اساسی قرار گیرند:

۱. عوامل مشتاق و مدیران حوزه علوم دین و معارف اسلامی باید در صدد بررسی جامع وضعیت مسبوق و وضع موجود در قالب یک پروژه‌ی جامع تحقیقاتی در ۴ محور و با نگاه جامع پژوهشی برآیند:

۱-۱. فاز اول، فاز شناخت (بررسی اسناد، مدارک، نظامنامه‌ها و محتواهای موجود و تحلیل آن‌ها)؛

۲-۱. فاز دوم، فاز مطالعات نقاط ضعف و قوت (درون سیستم) و فرصت‌ها و تهدیدها (برون سیستم)؛

۳-۱. فاز سوم استخراج مولفه‌های نظام مسبوق و موجود، سپس ارائه نظام مطلوب؛

۴-۱. فاز چهارم، اجرای نظام مطلوب.

۲. لذا در پایان بررسی وضع مسبوق و وضع موجود طراحی وضع و نظام مطلوب صورت می‌گیرد و فاصله‌ی بین وضع مسبوق و موجود نسبت به وضع مطلوب به‌عنوان (نیاز) مطرح می‌شود. حال این نیاز تعابیر مختلفی دارد از جمله:

۱-۲. نیاز به تحول و نوآوری در نظام پژوهشی حوزه علوم دین و معارف اسلامی؛

۲-۲. نیاز به بازآفرینی و مهندسی مجدد اصلاحات نظام پژوهشی حوزه علوم دین و

معارف اسلامی؛

۳-۲. نیاز به تدوین و ایجاد مجدد نظام پژوهشی حوزه علوم دین و معارف اسلامی؛

۳. تسری دادن پژوهش در بدنه آموزش و قائل شدن اهمیت و اعتبار ویژه برای آن، که شاید کار شاق نظام پژوهش کارآمد در همین بخش باشد که چگونه می‌توانیم نظام آموزشی پژوهش مدار و پژوهش محور را جایگزین روش نظریه پرداز و تئوری گرا بکنیم، چرا که یک نظام پژوهشی کارآمد از استلزاماتش طراحی آموزش پژوهشگران و در قالب دروس رسمی و کارگاهی است.

۴. به موازات غنی‌سازی آموزش‌ها به روش‌های پژوهشی، از روش‌های کارگاهی نیز نباید غفلت نمود، که موارد ۳ و ۴ نیازمند طراحی بخش ترویج پژوهش در حوزه علوم دین و معارف اسلامی است. امروزه هیچ فردی در این حوزه‌ی مطالعاتی از افراد بی‌نیاز از آموزش و بالاخص آموزش روش تحقیق نمی‌باشند.

۵. این مولفه‌ها و ابعاد نیازمند تشکیلات مدون و یا تعدیل و بازنگری در برنامه‌ها، واحدهای درسی و نظام‌نامه‌های فعلی دارند.

۶. دغدغه اصلی و مهم دیگر به فعلیت رساندن توانمندی‌های موجود پژوهش در قالب طراحی نظام پژوهشی کارآمد است که نکات ذیل بسیار تعیین کننده است:

۱-۶. بیش‌تر افراد شاغل در بخش پژوهش که سکاندار نظام پژوهش هستند، باید افرادی پژوهشگر و محقق باشند؛

۲-۶. یک نظام پژوهشی کارآمد مجهز به امکانات و ابزار پژوهشی کارآمد است؛ مانند کتابخانه تخصصی پژوهشی، کارگاه‌های روش تحقیق، مجلات تخصصی پژوهشی؛

۳-۶. نظام پژوهشی پویا با مطالعه رویه‌های موجود، کهنه‌ها را جدا و کهنه‌ها را نگهداری و به غنی‌سازی وضع موجود طبق نیاز فردا می‌پردازد؛

۴-۶. با تأمل اندکی در مدل ارکان نظام پژوهشی و از میان ۶ رکن یاد شده، رکن منابع انسانی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد؛ چرا که:

امروزه انسان‌ها (منابع انسانی) در سازمان‌ها بالاترین درجه اهمیت را دارا هستند و در امر پژوهش در حوزه‌ی علوم دین و معارف اسلامی نیز یک خانه تکانی جدی در امر منابع انسانی لازم است این خانه تکانی لزوماً با حذف افراد تعریف نمی‌شود، بلکه گاه با ایجاد موارد ذیل صورت می‌گیرد:

- مطالعه روی افراد موجود و جایابی مجدد آن‌ها (مهندسی مجدد منابع انسانی)؛

- اصلاحات ساختار منابع انسانی و تزریق نیروی مکمل؛

- تغییرات اساسی و تکمیل منابع موجود؛

- مهم‌تر از همه حفظ منابع انسانی با رویکرد به آموزش آن‌ها.

مدیران و مدیریت پژوهش (منابع انسانی تأثیرگذار)

به‌طور کلی مدیران دو گونه‌اند: عده‌ای از مدیران تمایل دارند که آینده را تغییر دهند و فکر می‌کنند که توانایی لازم برای ایجاد تغییر موفقیت آمیز در داخل سیستم و سازمان را دارند.

دسته‌ی دیگری از مدیران به دنبال ثبات سازمانی هستند و با ایجاد تغییر در سازمان مخالفتند. مدیران دسته‌ی اول را کارآفرین^۱ و مدیران دسته دوم را مدیران ناظر^۲ قلمداد می‌کنند.

برای یک مدیر موثر، دارا بودن هر دو بینش ضروری است (مقیمی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۳۵). یک مدیر موثر بالاخص در امر پژوهش بایستی بین این دو دیدگاه در سازمان توازن ایجاد کند. اصولاً نگرش اول و کارآفرینانه برای سازمان‌هایی است که به بلوغ رسیده‌اند و حوزه‌ی علمیه قرن‌هاست به بلوغ فکری- بلوغ مهارت، بلوغ تفسیری و تحلیلی و بلوغ علمی رسیده است و در حال حاضر نیز در حال رشد و ترقی است. به قول (استیونسون و گومپرت) مدیریت خلاق و نوآور همیشه به دنبال یافتن پاسخ برای سؤالات زیر است^۳ که در بخش پژوهش بسیار اساسی و تعیین کننده هستند:

۱. فرصت‌های رشد و نوآوری یا تحول در کجا وجود دارند؟
۲. فرصت‌های موجود را چگونه می‌توان بهینه و سرمایه گذاری کرد؟
۳. چه منابعی مورد نیاز است؟
۴. از چه راهی می‌توان منابع را کنترل و قابل دسترس درآورد؟
۵. چه ساختاری بهتر است (ساختار کارآمد سازمانی و منابع انسانی).

خاستگاه‌های فکری

در خصوص مدیریت کارآمد و کارآفرین جهت سکالنداری امر پژوهش و تحقیق سه خاستگاه فکری وجود دارد (آندرو^۴، ۱۹۸۷م، ص ۷۴۹):

الف: رویکرد مکتب انسانی: مکتب انسانی به نگرش و صفات مشخص رهبری عنایت دارد. این مکتب صفات مشخص خاصی را برای کارآفرینان موفق برمی‌شمارد.

1 . Entereprenership
 2 . Supervisor manager
 3 . Stevenson and Gumpert
 4 . Andrew.D

بعضی از ویژگی‌های رفتاری (صفات مشخصه) مدیران کارآفرین (بالاخص در امر پژوهش) در جدول ذیل آمده است:



شکل (۴) صفات مشخصه‌ی مدیران کارآفرین و مناسب در حوزه‌ی پژوهش

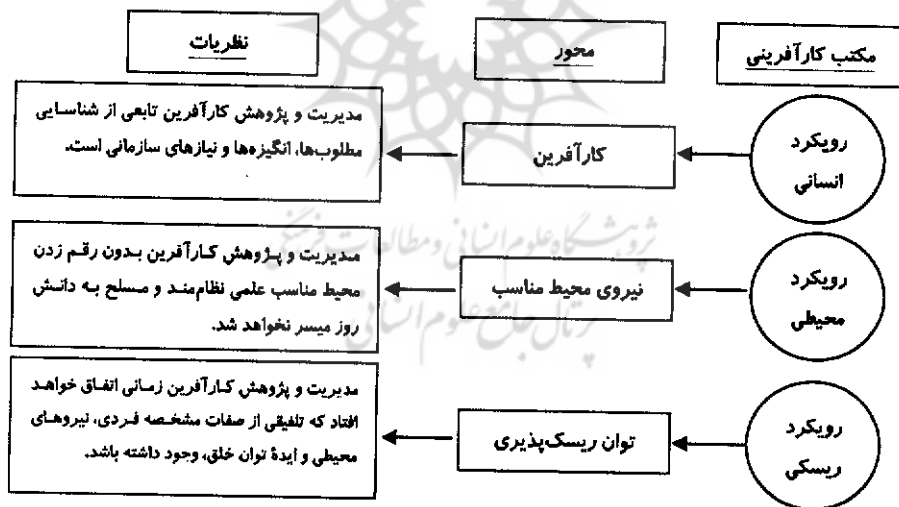
ب: مکتب محیطی: این تفکر مدیریتی، مجموعه‌ای از عوامل پیچیده محیطی را در تعیین تعداد و نوع کارآفرینان موفق دخیل می‌داند. این عوامل شامل مؤسسات و نهادها، ارزش‌های اجتماعی، فرایندهای سیاسی و فرصت‌های علمی است که اگر در یک محیط با

یکدیگر ترکیب شوند، موجب شکل‌گیری مؤسسات کارآفرین یا نظام‌های شایسته و بایسته می‌گردند.

ج: مکتب ریسکی^۱ (مخاطره‌ای): جدیدترین مکتب در زمینه تفکر کارآفرینی تا اندازه‌ای پیچیده‌تر از سایر مکاتب کارآفرینی است.

این نگرش بیان می‌دارد که صفات مشخصه فردی و حمایت محیطی ضروری هستند؛ اما شرط کافی برای مدیر کارآفرین نمی‌باشند.

براساس این نگرش اگر افرادی که دارای انگیزه‌ی بالا هستند، در یک محیط مطلوب قرار بگیرند، تضمین‌کننده‌ی کارآفرینی نخواهند بود؛ بلکه آن‌ها باید یک فرصت ریسکی را شناسایی نمایند، منابع و حمایت محیطی لازم برای بهره‌برداری از آن‌ها را نیز بیابند (مقیمی، ۱۳۷۷ ش، ص ۹۰). بطور خلاصه این سه نظرگاه در شکل ذیل مورد مقایسه قرار گرفته است:



شکل (۵) خلاصه مکاتب فکری و (با رویکردهای مدیریت و پژوهش) کارآفرینی

مقایسه‌ای از نظام‌های پژوهشی

در این خصوص، بررسی‌ای جامعه‌شناختی در مقایسه نظام‌های پژوهشی کشورها، به تفاوت‌های زیادی در این نظام‌ها اشاره می‌کند. پژوهش، پژوهشگران و نظام‌های پژوهشی در جوامع عقب‌مانده را با مشخصه‌هایی از قبیل بهره‌گیری کم‌تر از تکنولوژی، کمبود تولیدات علمی، فقدان برنامه‌ریزی صحیح، فقر بودجه پژوهشی، نگاه تشریفاتی به پژوهش، عدم تعادل و توازن بین پژوهش و آموزش و بی‌ثباتی مدیران در ساختارها و نظام‌ها و تحولات وسیع و سریع در تصمیم‌گیری‌ها، تشتت در خط‌مشی‌ها و روش‌های پژوهشی و ... معرفی کرده و در آثار خود از عوارض مذکور به عنوان نشانه‌ها و در عین حال عامل‌های به وجود آورنده عقب‌ماندگی یاد می‌کند و با توجه به همین عارضه‌ها، در تبیین و توضیح محرومیت و عقب‌ماندگی ملت‌ها می‌کوشند.

قصد آن نداریم که در این مقاله از وجود کمبودهای مذکور در جوامع به اصطلاح «جنوب» و حتی نقش آن‌ها در ایجاد پدیده عقب‌ماندگی را انکار کنیم. واضح است که ملت‌های محروم و کشورهای به اصطلاح جنوب از وجود عواملی که به آن‌ها اشاره شد، رنج می‌برند و آثار شوم این کمبودها را می‌توان بوضوح در زندگی پر رنج مردم فقیر دید؛ ولی حرف اصلی این است که پدیده‌های یاد شده، معلول کمبود عامل دیگری می‌باشند که همانا کمبود اندیشه در کشورهای عقب‌مانده است.

به عبارت دیگر، کمبودهایی که به آن‌ها اشاره شد، در حقیقت عوارضی هستند که از کمبود اندیشه به عنوان ضایعه و مشخصه اصلی جوامع یاد شده، ناشی می‌شوند.

واقعیت آن است که در نظام‌های پژوهشی جنوب، هنوز اندیشه کافی تولید نمی‌شود و اندیشه‌های پراکنده هم که به وجود می‌آیند، با چرخش زندگی در ساختار جامعه، پیوند حاصل نمی‌کنند. این در حالی است که بخش چشمگیری از اندیشه‌هایی را که در کشورهای صنعتی و در نظام‌های پژوهشی کارآمد تولید می‌شوند، را باید مرهون تلاش فکری پژوهشگران و متفکران جوامع آسیایی و آفریقایی دانست.

به کلام دیگر، جوامع جنوب در عین برخورداری از پتانسیل‌های اندیشه ساز، از تولید اندیشه نسبت به شتاب جهانی بازمانده‌اند. تأمل در این زمینه، موجب می‌گردد که به

برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی این کشورها بیندیشیم و با پیگیری مطالعه روی نظام‌های پژوهشی درون کشور در حوزه‌های مختلف علمی، معرفتی و دینی، مسأله اصلی روشن می‌شود: جوامع جنوب، برغم شور و اشتیاق و تلاش که برای رسیدن به اندیشه دارند، از تولید آن کمی بازمانده‌اند.

اگر افراد متفکر و پژوهش‌گر را به سلول‌های تفکر و جزئی از مغز جامعه تشبیه کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که حجم مغز جوامع تحت سلطه نسبت به آنچه در جوامع صنعتی وجود دارد، کوچک‌تر نیست؛ ولی تحرک و فعل و انفعالات در آن کم‌تر است. استفاده از جوامع کوچک مغز، به آن معنا نیست که ما به برتری اندیشه ساکنان جوامع صنعتی عقیده داریم، بلکه بر عکس این باور وجود دارد که رنج موجود و شرایط نامساعد در جوامع جنوب، هوشیاری بیش‌تری برای ادامه حیات می‌طلبد و این هوشیاری به تفکر بیش‌تر و بهتر نیاز دارد و یکی از شاهراه‌های مهم مقوله پژوهش و نظام‌های کارآمد تحقیقاتی در همه عرصه‌هاست.

در عین حال هوشیاری و قابلیت تفکر بهتر ملت‌های ستمدیده، به آن معنا نیست که از درصد اندک محققان در این جوامع غافل باشیم. باید در نظر داشت تعداد متفکران و اندیشمندان فعال در این جوامع نسبت به جمعیت آن‌ها، درصد کم‌تری را نشان می‌دهد. برای مثال، در حالی که در جامعه‌های صنعتی آمریکا نسبت به پژوهشگران به کل جمعیت، پنج هزار نفر در یک میلیون نفر گزارش شده است؛ این درصد در جامعه‌ی ایرانی به هشتاد و نهایتاً ۱۵۰ نفر در یک میلیون نفر کاهش می‌یابد (بیانی، ۱۳۷۸ش، ص ۵۲).

توسعه مراکز پژوهشی در نظام پژوهشی کارآمد:

تأسیس مراکز پژوهشی و فعال کردن آن‌ها در زمینه‌های مختلف، یکی از فعالیت‌های نظام پژوهشی و راه‌های ترویج پژوهش در جامعه تلقی می‌شود. باید در نظر داشت که مراکز پژوهشی، علاوه بر ارائه‌ی پژوهش‌های لازم در جهت توسعه و رفع نیازهای علمی جامعه، جاذبه‌های زیر را نیز در زمینه پرورش پژوهشگران به وجود می‌آورد:

الف: جاذبه انتشاراتی و تحقیقاتی

در حال حاضر مراکز پژوهشی از این امکان برخوردار هستند که از طریق نشر آثار مفید محققان و نیز پذیرش طرح‌های آنان، نسبت به جذب همکاری افراد مذکور برنامه‌ریزی کنند. انتشار مقالات محققان در نشریات و یا به صورت کتاب توسط کمیته انتشارات مؤسسه‌های تحقیقاتی و نیز جلب آنان به شوراهای بررسی طرح‌ها، کمیته‌های انتشارات و شوراهای سردبیری محسوب می‌شود. حال باید از این کانون‌های جاذب پرسید، در ایفای این وظیفه تا چه حد موفق بوده‌اند و برای انجام دادن بهتر این وظیفه در آینده، چه برنامه‌هایی دارند؟ به نظر می‌رسد این قبیل شوراهای در توجه به این منظور خطیر و ارائه برنامه‌های مؤثر جهت انجام دادن آن، مشکلاتی دارند که توجه به آن شاید بی‌فایده نباشد. یادآوری این نکته لازم است که شوراهای سردبیری نشریات علمی و فرهنگی و حوزوی در بسیاری از مواقع به جای نظر دادن درباره‌ی مقاله‌های رسیده، آن‌ها را با توجه به دیدگاه‌های خویش، که اغلب اوقات مطلق‌انگاری می‌باشد، تصحیح می‌کنند و از این طریق هیأت تحریریه، بی‌آن‌که توجه داشته باشد، نقش استاد راهنما را بازی می‌کند. تأثیر این گونه برخوردهای نادرست وقتی فاجعه‌آمیز می‌شود که هیأت تحریریه، هرگونه نظر مغایر با دیدگاه‌های خویش را ناصحیح بداند و از درج آن جلوگیری کند. بدین ترتیب نه تنها اجازه تضارب آرا به نویسندگان مقاله‌ها داده نمی‌شود، بلکه از هرگونه تفکر متفاوت، به جرم ناهمخوانی با آن چه خود درست می‌پندارند، ممانعت به عمل می‌آورند.

در خصوص شوراهای بررسی طرح‌های تحقیقاتی در نظام تحقیقاتی نیز، یادآوری این نکته لازم به نظر می‌رسد که به جای تأکید بر سیاست‌های ترغیب‌کننده و تهیه برنامه در زمینه‌ی جلب همکاری محققان، به ایفای نقش کنترل اکتفا می‌کنند و عموماً نتوانسته‌اند موجبات ترغیب محققان را فراهم سازند. بدین ترتیب، شورایی که قادر نیست علل عدم پذیرش طرح را با محققان در میان گذاشته و آنان را مجاب کند و در رسیدن به تفاهم با اهل تحقیق عاجز است و به جلسه‌های سری و تصمیم‌گیری‌های غیرعلنی روی می‌آورد؛ چگونه می‌تواند با اهل پژوهش ارتباط برقرار کند؟

ب: کمیته‌های انتشاراتی

در مورد کمیته‌های انتشاراتی نیز باید توجه داشت که اساسنامه این کمیته‌ها لازم است به ضرورت ارتباط با محققان توجه داشته باشد. بویژه باید روشن گردد که اقدام به نشر، خدمت به اندیشه‌هاست و نباید تصور کرد که اندیشه‌ها در خدمت نشر قرار دارند. شاید یادآوری این مطلب بی‌مناسبت نباشد که سیاست‌های جلب همکاری محققان، به طور اصولی لازم است بر مبنای تشدید جریان‌های فکری و تشویق تفکر و ترغیب اندیشه استوار شود.

فراموش نکنیم که دیدگاه‌های متفاوت و اختلاف در اندیشه و برداشت، زمینه ورزش فکری را فراهم می‌آورد. تشویق تفکر و تعمق اندیشه در محیط‌هایی امکان‌پذیر است که مبتنی بر پذیرش دگراندیشی بوده و آمادگی استقبال از نظریات و نشر و طرح آن‌ها وجود داشته باشد و چنین روحیه‌ای تنها در شرایط قبول اندیشه‌های مغایر امکان‌پذیر است. توجه به این نکته در ترکیب شوراهای بررسی نشر و تحقیق اهمیت زیادی دارد.

این ضرورتی محسوس است که در نظام پژوهشی، شوراهای انتشاراتی، تحقیقات و هیأت‌های تحریریه نشریات علمی و فرهنگی نقش مراقبت، کنترل و نگهداری خود را به وظیفه ارتباط، پذیرش و همکاری تغییر دهند و برنامه‌هایی مبتنی بر سیاست‌های تحقیق‌پذیر ارائه نمایند.

چنین تحولی در چارچوب ساختار کنونی حوزه علوم دین و معارف اسلامی امکان‌پذیر است. ضرورت دارد ضمن جلب توجه هر کدام از شوراهای مذکور وظیفه ارتباطی و همکاری با پژوهشگران، از آن‌ها خواسته شود که برنامه‌ی مشخصی برای جلب همکاری محققان تهیه و ارائه نمایند و این نکته را در نظر داشته باشند که شوراهای کمیته علمی را هرگز نباید مجتمع منفعل تصور کرده و منتظر مراجعه محقق باشند، بلکه لازم است با ارائه‌ی برنامه‌های فعال، همکاری محققان را جلب نمایند.

ج: جاذبه اطلاعاتی

ایجاد و گسترش فعالیت‌های بانک اطلاعاتی یک نظام پژوهشی و فراهم‌آوری امکان

گردآوری و تهیه داده‌های مورد نیاز محققان از طریق مراکز تحقیقاتی به نوبه خود می‌تواند مفید باشد، و موجبات مراجعه و در نتیجه جذب محققان و ارتباط همکاری با این مراکز را فراهم سازد.

د: جاذبه اقتصادی

ارزیابی دستمزد کارهای فکری از طریق زمان سنجی، تقریباً نا ممکن می‌نماید. با اندکی تأمل در می‌یابیم، اساسی‌ترین مرحله تولید فکری، زمانی تحقق می‌یابد که طی آن، محقق یا متفکر، بظاهر به کار اشتغال ندارد. اصولاً تلاش‌های فکری زمان نمی‌شناسند.

وقتی به تهیه طرحی می‌اندیشیم، مخصوصاً اگر نسبت به انجام آن علاقه مند باشیم (که معمولاً بدون وجود چنین علاقه‌ای نتیجه‌ی تحقیق شایان توجه نخواهد بود)، هرگز نمی‌توانیم اندیشیدن درباره‌ی کار خود را با اعلام ساعت تعطیل کنیم.

تجربه نشان داده است که از طریق زمان سنجی نمی‌توان ارزشیابی صحیح از تولیدات فکری به عمل آورد. نتیجه کار «اینشتین» در مورد تئوری نسبیّت، در بیست و چهار صفحه ارائه شد. حال معجم کنیم که اگر این کار در مؤسسه‌های تحقیقی کشورهای جهان سوم انجام می‌گرفت، چند ساعت اضافه کار برای «اینشتین» منظور می‌شد! (البته در صورتی که کلیه گواهی‌های مورد نظر کامل بود!).

طرح کارانه، که برای سنجش تلاش معلمان و یا ایجاد انگیزه‌ی در آنان در سال‌های پایانی رژیم پهلوی مطرح شد، با توجه به این استدلال تهیه شده بود که سنجش میزان کار معلمی با در نظر گرفتن زمان انجام دادن آن، ممکن نیست. به نظر می‌رسد با تأکید بر این مسأله، بتوان نظر هیأت‌امنا را به ضرورت تهیه آیین‌نامه‌ی سنجش کار محققان بر مبنای کار سنجی جلب کرد و از این طریق، کار سنجی را جایگزین زمان سنجی نمود. در صورت پذیرش این اصل، تهیه‌ی آیین‌نامه مورد نظر، کار بسیار ساده‌ای خواهد بود. کافی است توجه داشته باشیم که هیأت‌امنا از اختیارات کافی برای صدور مجوز پرداخت‌های مربوط به کارهای تحقیقاتی بر مبنای آیین‌نامه‌ی کارانه، برخوردار می‌باشند و اصولاً فلسفه تشکیل هیأت‌های‌امنا بر مبنای ضرورت ایجاد چنین تخییراتی بوده است (بیانی ۱۳۷۸ش، ص ۳۸).

هد: جاذبه‌های بین‌المللی

بسیاری از محققان حوزوی علاقه‌مند هستند که پژوهش‌های آنان در مجامع تحقیقاتی و فرهنگی بین‌المللی مطرح شود و از این‌که نظریاتشان در چهار دیواری ملی با ارزشیابی‌های مبتنی بر معیارها ایدئولوژی واحد مواجه می‌شود، احساس مظلومیت می‌کنند. از این رو سعی دارند که به نحوی مطالعات خود را در جهان مطرح سازند. نظام پژوهشی حوزه می‌تواند با برنامه‌ریزی سنجیده نسبت به برقراری ارتباط و همکاری دو جانبه با یونسکو، و دیگر سازمان‌ها و مؤسسه‌های فرهنگی بین‌المللی اقدام نماید و به صورت کانال ارتباطی محققان کشور با مجامع یاد شده درآید. انجام این مهم، بویژه در شرایطی که کمیسیون ملی یونسکو در این زمینه توفیقی حاصل نکرده است، خدمت بزرگی به گسترش تحقیقات حوزوی خواهد بود.

فراغوش نمی‌کنیم که ارتباط ملی با سازمان‌های فرهنگی و پژوهشی بین‌المللی، جزو وظایف مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها منظور شده است و نیازی به مجوز مخصوص ندارد. یکی از فعالیت‌های شناخته شده یونسکو و سایر مجامع بین‌المللی فرهنگی و تحقیقاتی نیز، ارتباط و همکاری با مؤسسه‌های پژوهشی کشورهای عضو می‌باشد. در این خصوص مؤسسه‌های پژوهشی می‌توانند با تهیه برنامه مشخص به طور مستقیم و یا از طریق کمیسیون ملی یونسکو اقدام نمایند. این مهم می‌تواند از طریق ارتباط با مجامع الازهر مجلات علمی و تخصصی مذهبی ۵۱ کشور اسلامی و سایر نهادهای علمی - پژوهشی شرق و غرب و کالج‌های اسلامی صورت گیرد.

و: جاذبه فرهنگی

پژوهش، فرهنگ خاص خود را دارد و پژوهشگران تحت تأثیر ماهیت تلاش‌های اندیشه‌ساز، از ویژگی‌های فرهنگی خاص برخوردار می‌شوند که در این جا به عنوان ویژگی‌های شغلی محقق از آن‌ها یاد می‌کنیم (ساده، ۱۳۷۵ش، ص ۴۵۱).

با شناخت این ویژگی‌های شغلی، بهتر می‌توانیم محیط فرهنگی جاذب برای محققان فراهم آوریم و روابط همکاری مورد علاقه آنان را به وجود آوریم.

معمولاً محققان به این ویژگی‌های برخاسته از ماهیت شغل تحقیق آراسته‌اند و اگر محقق از این ویژگی‌ها به دور افتد، می‌توان پی برد که با کار خویش در نیامیخته است. به عبارتی، اندیشه‌های پژوهشی از باورهای واقعی او نشأت نمی‌گیرند و در این صورت احتمال خدشه در کار تحقیق بیش تر است.

محقق و ویژگی‌هایش

برای شناخت فرهنگ شغلی محققان، لازم است از خود پرسیم که محقق کیست؟ و ماهیت حرفه تحقیق چه ویژگی‌هایی را ایجاد می‌کند؟

به منظور پرهیز از اطاله کلام، ویژگی‌های محقق را به شرح زیر خلاصه می‌کنیم:

- تمایل به ریشه‌یابی و سبب‌جویی و در نتیجه گرایش به جست و جوی علت و معلول؛

- علاقه‌مندی به مطالعه‌ی روابط بین پدیده‌ها و در نتیجه تمایل به بررسی تأثیر وقایع اجتماعی در یکدیگر؛

- عدم بی‌تفاوتی در برابر اتفاقات محیط؛

- جامع‌نگری که به نوبه‌ی خود از مطالعه روابط بین پدیده‌ها برمی‌خیزد؛

- موضع‌گیری تحقیقی در برابر رویدادها، به طوری که نسبت به مسائل، موضوعی به دور از وابستگی‌های سیاسی، ایدئولوژیک و یا ملی داشته باشد. این گونه موضع‌گیری بی‌طرفانه، با خنثی بودن محقق متفاوت است. پژوهشگر به عنوان یک جست و جوگر اجازه نمی‌دهد که وابستگی به جریان‌ات، او را با خود ببرد؛ ولی باید از نوع تأثیر آن آگاه باشد و بتواند مثبت و منفی را تشخیص دهد؛

- علاقه‌مندی به پیگیری پیشرفت کار و تمایل به دنبال کردن جریان‌های روشی؛

- شجاعت اخلاقی که لازمه‌ی رو در رویی با مسائل، به منظور شکافتن آن‌ها می‌باشد؛

- تمایل به آگاهی از وضعیتی که ممکن است از تغییر پدیده‌ها حاصل گردد و در نتیجه، گریز از پذیرش قالب‌های جامد؛

- گرایش به ژرف‌اندیشی؛

- تمایل به فرهنگ باز مطالعاتی؛

- تمایل به داشتن حق انتخاب؛
 - راغب بودن به حصول امکانات بیش‌تر در زمینه پژوهش و ...
- همچنان که اشاره شد این خصیصه‌ها از ماهیت شغل تحقیق و علاقه به آن برمی‌خیزد و محقق تنها در صورتی در کار خویش موفق می‌شود که به این ویژگی‌ها آراسته باشد. ایجاد محیط جاذب برای جلب همکاری افرادی که دارای ویژگی‌های یاد شده باشند، کاری بسیار مشکل و در عین حال جاذب است.
- توفیق در این مهم، تنها در سایه مجموعه آگاهی‌های علمی و روان‌شناختی، هنری و سیاسی امکان‌پذیر است که خوشبختانه زمینه این آگاهی در نظام دینی و معرفتی ما وجود دارد. در این مراکز، افراد آگاه و لایقی اشتغال دارند که عدم کشف استعدادهای آنان در حقیقت ضعف تشخیص محسوب می‌شود. در عین حال، به این نکته توجه داریم که قالب‌های منجمد و کهنه مدیریت سنتی، بیش‌تر این استعدادها را به بند کشیده است. به منظور فعال‌تر کردن مراکز پژوهشی، راهبردهای زیر ارائه می‌شود:

راهبردهای مدیریت در نظام پژوهشی کارآمد

۱. تعیین انتخابی مدیران و مسؤولان مؤسسه‌های پژوهشی

بدیهی است در چارچوب مقررات موجود، که تعیین مدیران و مسؤولان، جزو وظایف مدیریت محسوب شده و در شرح وظایف مدیر آمده است؛ این افراد به جای انتخاب جمعی، از طرف رئیس مؤسسه منصوب می‌شوند. در صورتی که اگر اعتقاد به دگرگونی و تحول در محدوده‌ی این ساختار باشد، با حفظ حق قانونی مدیر مؤسسه می‌توان تعیین مسؤولان را به طور انتخاب انجام داد و مدیران مؤسسه را با رایزنی و مشورت اعضای مؤسسه تعیین نمود.

اتخاذ این شیوه، نه تنها از قدرت مدیر نمی‌کاهد، بلکه یقیناً موجب تقویت آن نیز خواهد شد. لازم است در ایجاد فضایی بکوشیم که در آن، محقق خود را در تصمیم‌گیری‌های تعیین‌کننده، سهم می‌داند و این بهترین شیوه برای برانگیختن علاقه او محسوب می‌شود.

۲. تعیین انتخابی نمایندگان مراکز پژوهشی

بهتر است افراد شرکت کننده در اجلاس‌های بین‌المللی، ملی و یا حتی جلسه‌های مهم خارجی از مؤسسه، با نظر مدیران گروه‌ها و یا حداقل پس از اعلام نظر آن‌ها انتخاب شوند. لازم است توجه شود که، شرکت در گردهمایی‌ها و جلسات مربوط به تصمیم‌گیری‌های تعیین کننده، تنها جزئی از برنامه‌ها محسوب نمی‌شود، بلکه تلاشی است که از طریق آن پیوند پژوهشگران با کوشش‌های فراگیر و نیز ارتباط برنامه‌های مؤسسه با برنامه‌های جامع تحقیقات، امکان‌پذیر می‌گردد.

۳. اطلاع اعضای مراکز پژوهشی از رویدادهای علمی و تحقیقاتی کشور

این ضرورت وجود دارد که اطلاعات پژوهشی براساس سیستم‌های استاندارد بانک‌های اطلاعات در سطح جهان، طبقه‌بندی و در اختیار پژوهشگران قرار گیرند. بیقین، سرعت دستیابی به اطلاعات پژوهشی در انجام دادن تحقیقات و کیفیت آن‌ها تأثیر انکار ناپذیر دارد و این یک حلقه مفقود در ساختار نظام پژوهشی حوزه است.

۴. پرهیز از استبداد اداری

در مقوله‌ی پژوهش و به طور کلی مراکز که به تولید فکری اشتغال دارند و به نظام پژوهشی حوزه علوم دین و معارف اسلامی وابسته هستند؛ توجه به این نکته حائز اهمیت است که انگیزه‌ی همکاران در میزان کارآیی آنان تأثیر بسزایی دارد.

در این قبیل مراکز، به جای صدور دستور اداری، بهتر است علت وجودی برنامه‌ها را توضیح دهیم و رغبت شرکت همکاران را در برنامه‌ها برانگیزیم.

به یقین، محقق با ویژگی‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، نمی‌تواند در محیط‌های اطاعت کورکورانه راحت باشد و در صورت ضرورت تمکین، نمی‌تواند بازدهی کاری خوبی داشته باشد؛ لذا حتی عقیده بر این است که صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های پژوهشی متفاوت‌تر از بخشنامه‌های اداری و آموزشی و خدماتی است

۵. پرهیز از فرهنگ محدودیت‌گرا در مراکز پژوهشی

فرهنگ پژوهشی در نقطه مقابل فرهنگ محدودیت‌گرا و مخفی‌کاری قرار دارد. محقق در جست و جوی هدف‌های تحقیقاتی از جزئیات بحث‌ها و تشریح موضوع بهره می‌جوید. در صورتی که محدودیت‌گرا، حتی‌الامکان از ابراز نظر می‌پرهیزد. پژوهشگر به دنبال انگیزه‌هاست، در حالی که محدودیت‌گرا، جز اطاعت محض، وظیفه دیگری ندارد (بالمر و همکاران^۱، ۱۹۹۳م، ص ۱۴۲).
با توجه به این تفاوت، بهتر است در طراحی نظام پژوهش از هرگونه تصمیمات محدودیت‌گرا پرهیز شود.

۶. افزایش همکاری بین واحد و گروه‌های مختلف

ایجاد رابطه همکاری بین گروه‌ها و واحدهای مختلف در یک نظام پژوهشی کارآمد، از ضروریاتی است که فقدان آن تلاش جامع تحقیقاتی را مختل می‌کند. ترغیب برگزاری جلسات بین گروه‌ها و یا مطالعه و اظهارنظر درباره مباحث هر گروه توسط گروه‌های دیگر، از طریق مبادله صورت جلسات گروهی، از برنامه‌های اجرایی مشخصی است که در این مورد پیشنهاد می‌شود.

۷. افزایش ارتباط بین مدیریت و کارکنان مراکز پژوهشی

تأثیر وجود ارتباط مداوم بین مدیریت و کارکنان در افزایش بازدهی تلاش اعضای همکار کاملاً روشن است. در این خصوص تشویق برگزاری نشست‌ها و حتی تشکیل جلسات تفریحی خارج از محیط مؤسسه ضرورت دارد. باید در نظر داشت که برخی از سازمان‌های خارجی، بر مبنای مطالعات دقیق، منافع برگزاری این قبیل جلسات و برنامه‌های تفاهم را بیش‌تر از هزینه‌های لازم آن، برآورده می‌کند.

۸. پالایش روابط اداری

وجود هرگونه روابط متناقض با فرهنگ پژوهش و ضایع‌کننده آن، به مثابه سرطانی

است که پیکر ارتباطات پژوهشی را آزرده می‌سازد. هرگز نباید غده‌ی سرطانی را به صرف ناآگاهی افراد و یا کرختی عصب‌های دورو بر آن که هنوز دردی را احساس نمی‌کنند، نادیده گرفت.

محققانی که به اقتضای مطالعه‌ی روابط بین پدیده‌ها، به رویدادهای اطراف خویش بی‌تفاوت نیستند، بی‌یقین نمی‌توانند جذب محیط‌هایی شوند که در آن، راه‌اندازی کارهای فرهنگی در گرو تأمین منافع فردی باشد.

در چهارچوب فرهنگ پژوهش، لازم است این نکته برای همگان روشن شود، که به بهای مصالح عمومی نمی‌توان با فساد اداری سازش کرد.

برخورد جدی از محاسن روشن و خشونت از معایب بارز است، همچنان که احترام را نمی‌توان با ترس یکی دانست.

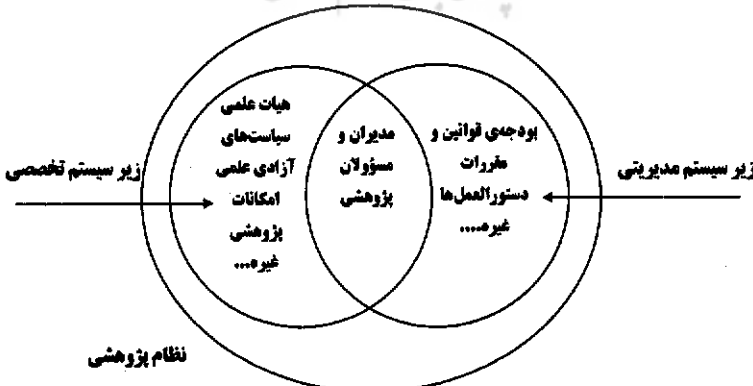
۹. توسعه‌ی فرهنگ عمومی تحقیقات

توسعه‌ی فرهنگ عمومی پژوهش یکی دیگر از اقدام‌های اساسی است که می‌تواند بتدریج به رشد پژوهش در جامعه و در یک نظام کارآمد پژوهشی بینجامد.

۱۰. تغییر لازم و اصلاح پیوسته

از ویژگی‌های نظام پژوهش کارآمد، دست زدن به اصلاحات ساختاری و نظام‌مند در تمام عرصه‌ها در طول زمان و در صورت نیاز تغییرات اساسی است تا مطابق نیازهای روز با تلاش مضاعف به سمت تحقیق اهداف حرکت نماید.

مدیریت نظام پژوهشی



شکل (۶) نظام پژوهشی و جایگاه مدیران آن

نتیجه

به طوری کلی می‌توان خلاصه کرد که وجود عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آرمانی و تاریخی در توسعه‌ی تحقیقات در حوزه‌ی علوم دین و معارف اسلامی موثر است و پیش از این زمینه‌ی مساعدی برای پیشبرد برنامه‌های تحقیقاتی وجود نداشت. بر اثر همین شرایط، حوزه از کمبود شدید محقق رنج می‌برد. با اشاره به شمار محدود و حتی معدود آثار تحقیقاتی که هر سال در حوزه منتشر می‌شود، می‌توان میزان بالای این کمبود را یادآور شد. به طوری که به نظر می‌رسد، نسبت محقق حرفه‌ای به کل جمعیت دانشجویان و طلاب معارف اسلامی در کشور ما از یک هزارم تجاوز نکند.

باید توجه داشت، چنین کمبودی در شرایطی مطرح است که حوزه تنها با اتکا به تحقیق و انجام دادن کارهای تحقیقاتی می‌تواند راه جدید خود را پیدا کند. از یادآوری زمینه‌های فرهنگی اجتماعی، ارزش تحقیق و اشاره به کمبود آن، چه هدف‌هایی را دنبال می‌کنیم؟ در این مورد می‌توان به هدف‌های زیر اشاره کرد:

۱. توجه به عوامل بازدارنده‌ی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تاریخی و شرایط نامساعد اجرایی در ارتباط با امر پژوهش و پژوهشگری و آگاهی از مشکلات اساسی و بنیانی، ما را قادر می‌سازد تا از برخورد ساده‌انگارانه به دور باشیم و در ارائه‌ی برنامه‌های اصلاحی خود به «خوش‌باوری» دچار نشویم و در پیگیری و طراحی نظام جامع پژوهشی مصمم‌تر باشیم.

۲. با در نظر گرفتن کمبود شدید محقق، این ضرورت را احساس می‌کنیم که از توان پژوهشگران موجود، استفاده‌ی سرشار به عمل آوریم و در یک چنین شرایطی، از هدر دادن پتانسیل محدود تحقیق از طریق تکرار پژوهش‌ها و یا انتخاب موضوع‌های بیهوده و نامربوط به نیازهای جامعه، پرهیز داشته باشیم.

۳. یادآوری ضرورت برنامه‌هایی که با اجرای آن‌ها، نه تنها هماهنگی لازم بین تحقیقات رشته‌های مختلف حوزه علوم دین و معارف اسلامی امکان‌پذیری می‌شود، بلکه از آن طریق می‌توانیم به پژوهش‌های تکمیلی پرداخته و ضمن تعمیق بیش‌تر در تحقیقات، توان پژوهشی حوزه را با توسل به همکاری محققان افزایش دهیم.

۴. ضمن تأکید و یادآوری ضرورت برنامه‌هایی، آموزش تحقیق و تربیت محقق در حوزه علوم دین و معارف اسلامی مهم است. در همین جا، شاید ذکر این نکته مناسب باشد که آموزش تحقیق، به برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری نیاز دارد و ضمن آن لازم است به نظریه‌های آموزشی و تئوری‌های علمی اهمیت بیش‌تری داده شود؛ زیرا با بی‌توجهی به این موضوع، آموزش تحقیق به صورت روش‌های فاقد اندیشه درآمده و محتوای جست‌وجوگرانه تحقیق در قالب‌های منجمد محصور می‌گردد. فراموش نکنیم که تحقیق نظم‌پذیر است، ولی قالب پذیر نیست.

پتانسیل‌های پژوهشی

برغم وجود مشکلات بنیانی و با آن که زمینه اقتصادی و اجتماعی به طور کلی برای توسعه‌ی پژوهش و پژوهشگری هموار نیست و ما در صفحات قبلی به آن‌ها اشاره کردیم، حوزه علوم و معارف دینی از پتانسیل‌هایی برخوردار است که در صورت استفاده‌ی صحیح و دقیق از آن‌ها، می‌توان گام‌های مهمی در پیشبرد هدف‌های تحقیقاتی نظام دینی و معرفی برداشت. استفاده از این امکانات، به برنامه‌ریزی‌های سنجیده نیاز دارد. به چند مورد از امکانات اشاره می‌شود:

۱. خلاقیت طلاب و دانشجویان جوانی که تحت تأثیر فرهنگ انقلاب بر خویشتن‌یابی و پژوهش تأکید دارند. چنین گرایش‌هایی، موجب و مشوق تحقیق به شمار آمده و زمینه رشد پژوهش در حوزه را فراهم می‌آورند. مراجعه به کارهای خلاق که در طول سال‌های گذشته در نهادهایی مانند «جهاد سازندگی» و غیره انجام گرفته است، ما را از وجود پتانسیل خلاقیت جوانان آگاه می‌سازد. در عین حال باید توجه داشت طلاب جوان به طور کلی محقق نیستند، بلکه استعدادهایی هستند که با برنامه‌ریزی دقیق نظام پژوهشی، در آینده می‌توانند به پژوهشگران خلاق تبدیل شوند و لازم است از آن‌ها به عنوان سرمایه‌های تحقیق یاد شود.

۲. حضور تقریباً گسترده‌ی طلاب در دانشگاه‌های کشور و در محافل علمی موجب شده است که آنان شناخت بیش‌تری در ارتباط با پژوهش در سطح جهان کسب کنند. ترغیب

این محققان دور از حوزه و علاقه‌مند، به بازگشت و به کارگیری آن‌ها در مؤسسه‌های تحقیقاتی حوزه یقیناً به نزدیکی بیش‌تر پژوهش‌های حوزه با استانداردهای کیفی مؤثر خواهد شد.

۳. به وجود آمدن امکانات ارتباطی بیش‌تر با مراکز تحقیقاتی جهان، از قبیل بانک‌های اطلاعاتی و یا انتشار اخبار تحقیقات جهان که تبادل تجربه و اطلاعات پژوهشی را تسهیل می‌کند. طراحی سیاست‌های تحقیقاتی مبتنی بر استفاده از پتانسیل‌های یاد شده، نه تنها امکان جذب و پرورش نیروهای محقق را تسهیل خواهد کرد، بلکه در عین حال می‌تواند در به وجود آوردن استانداردهای پژوهش در حوزه مؤثر واقع شود و گام‌های تحقیقاتی آن را با مراکزی که دارای تجربه بیش‌تری هستند، همگام سازد؛ لذا بهتر است کلیه مؤسسه‌های تحقیقاتی حوزه به استفاده از این سه منبع توجه داشته باشند.

طراحی، اجرا و ترویج سیاست‌های یاد شده از طریق برنامه‌ریزی‌های جامع سازمان‌های پژوهشی امکان‌پذیر است. اصولاً راه‌اندازی و فعال نمودن سازمان‌های پژوهشی یکی از راه‌های توسعه تحقیقات در حوزه به شمار می‌آید، البته به شرط آن که این قبیل مؤسسه‌ها از توان طراحی برنامه‌های پویا و قدرت اجرای لازم برخوردار باشند.

منابع و مأخذ

۱. - اطلاعات وضعیت پژوهش در جهان، (۱۳۷۷ ش)، تهران، موسسه اطلاعات.
۲. ایرانی، یوسف، بختیاری، ابوالفضل، (۱۳۸۲ ش)، روش تحقیق عملی (اقدام پژوهی)، تهران، نشر لوح زرین.
۳. بابائی، رضا، (۱۳۷۸ ش)، پیش شرط‌های پژوهش در علوم دینی، تهران، مرکز فعالیتها و پژوهش‌های قرآن و عترت.
۴. بیانی، احمد، (۱۳۷۸ ش)، روشهای تحقیق و سنجش در علوم تربیتی و روان‌شناسی، تهران، انتشارات رهیافت.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۶۵ ش)، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد. مشهد، کنگره جهانی حضرت امام رضا علیه السلام.
۶. رضائیان، علی، (۱۳۷۳ ش)، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۷. ساده، مهدی، (۱۳۷۵ ش)، روشهای تحقیق با تأکید بر جنبه‌های کاربردی، تهران، انتشارات هما.
۸. طوسی، محمدعلی، (۱۳۷۹ ش)، سیاست‌گذاری در آموزش و یادگیری، تهران، علوم تحقیقات.
۹. قورچیان، نادرقلی، (۱۳۷۹ ش)، برنامه‌ریزی ملی، منطقه‌ای، تهران، واحد علوم و تحقیقات.
۱۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸ ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، انتشارات صدرا.
۱۱. - معاونت پژوهشی، (۱۳۷۸ ش)، دفتر امور پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی آیین نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های معاونت پژوهشی، تهران، معاونت پژوهشی کل دانشگاه.
۱۲. مقیمی، سیدمحمد، (۱۳۷۷ ش)، سازمان مدیریت رویکردی پژوهشی، تهران، انتشارات ترمه.
۱۳. مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۴ ش)، مباحث ویژه تدوین سند ملی آموزشی، تهران، دبیرخانه سند ملی.
۱۴. نصر، سیدحسین، (۱۳۵۰ ش)، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات اندیشه.
۱۵. نعیمی، عبدالقادر بن محمد، (۱۹۸۸ ق)، الدارس فی تاریخ المدارس، تحقیق جعفر الحسنی، القاهرة، مکتبه الثقافه الدینیة.
۱۶. وایلز جین و باندی، جوزف، (۱۳۷۷ ش)، نظارت و راهنمای کلینیکی، ترجمه: محمدرضا بهرنگی، تهران، انتشارات تابان.

17. Andrew D. Szilagyı & Marc J. Wallace, (1987) Organizational Behavior and performance, 4th ed, Lonon: scott, foresman and Compay, pp 749-752
18. Bulmer, Martin and warwick , Donald (1993) (Ed,s) Social Research in Developing Countries London (UCL press, 1993)
19. Dubrin Andrew j. and Ireland R. Duane and Williams J. Clifton, (1989) management and organization, ohio: south – westen publishing co,
20. H.R. Muki, (1995) management of systems, new delhi: smt. Sumitra Handa, p. 287
21. Robbins Stephen. P & mary Coultar (1996) Management, 5th ed. NewJersey: prentice Hall,
22. Robbins Stephen. P.(1987) organization theory: structure and design and Applications 2th ed. New Jersey: prentice – Hall.
23. warren B.Brown & Dannis J Moberg, (1980), Organization Theory and Management, Toronto: Johnwiley & sons, p. 418



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی